

## بیان معجزات و کراماتی از علمدار کربلا

گفت‌وگویی فارس با خادم با سابقه حرم حضرت ابوالفضل(ع) عنوان شد...



گفت‌وگویی فارس با خادم با سابقه حرم حضرت ابوالفضل(ع) عنوان شد؛

بیان معجزات و کراماتی از علمدار کربلا

کاروان زیارتی کارکنان خبرگزاری فارس با حضور در منزل خادم اقدم حضرت حرم ابوالفضل (ع) گوشه‌ای از کرامات و معجزات آن حضرت را به گوش جان شنیدند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس، کاروان زیارتی جمعی از کارکنان و خبرنگاران خبرگزاری فارس که از سه‌شنبه 18 آبان تا پنج‌شنبه 27 آبان 89 عازم کربلای معلی و عتبات مقدسه بوده‌اند، با حضور در حرم امام علی (ع)، کاظمین، سامرا، حرم عسکریین (ع)، حرم دو طفلان مسلم در شهر مسیب کنار رود فرات، مسجد کوفه، مسجد سهله، حرم مسلم ابن عقیل (ع) و مختار بن یحیی ثقفی، حرم کمیل بن زیاد نخعی، منزل منسوب به حضرت علی (ع)، حرم اباعبدالله حسین (ع)، حضرت ابوالفضل(ع)، تل زینبیه، کف‌العباس خاک این مزارهای شریف را توتیای چشم کرده و با برداشت توشه‌های معنوی به وطن برگشتند.

این کاروان در این سفر با حضور در منزل حاج عباس حاج محمد علی کشوان آل شیخ کلیددار و خادم اقدم حرم حضرت ابوالفضل(ع) که اکنون بازنشسته است پای صحبت‌ها و خاطرات 36 ساله حضور در حرم مطهر نشستند.

خاندان حاج عباس که از 12 نسل از 485 سال قبل از ایران به عراق مهاجرت کرده‌اند و همگی خادم حرم علمدار کربلا بوده‌اند.

شیخ عباس تاکید کرد خاطرات در جزوه و کتابچه‌ای چاپ شده و آن را در اختیار خبرنگار فارس قرار داد.

کتاب مسافر نگاه سرخ به قلم میرحمید میرمعصوم‌نژاد خاطرات حاج عباس را به رشته تحریر درآورده که با توجه به تقارن محرم 1432 گوشه‌ای از کرامات سقایی تشنه لب امام حسین(ع) تقدیم خوانندگان می‌شود.

در ضمن اطلاع حاصل شد، حاج عباس به دلیل بیماری از روز گذشته در بیمارستانی در بغداد بستری شده که تقاضای دعا برای شفای بیماران و مریض منظور می‌شود.

### \*دخترک بیمار

شیخ عباس کرامتی دیگر از حضرت ابوالفضل (ع) را چنین روایت می‌کند: یک روز در حرم را بسته و بیرون آمدم، ماشینی سیاه رنگ پیش پایم ترمز کرد، دو نفر از برادران سنی - از اهالی تکریت - از آن پیاده شدند و به من گفتند: «#171؛ آقا! خواهشی از شما داریم» بیماری همراه داشتند و می‌خواستند وارد حرم شوند.

گفتم: «#171؛ چشم در زدم و خادم درب را باز کرد، به او گفتم: «#171؛ این مریض را به صحن راه دهید، تا فردا او را داخل حرم بگذاریم».

نمی‌دانستم مریض مرد است یا زن، بعدا فهمیدم دخترکی چهارده، پانزده ساله بود که در رختخواب فقط سرش پیدا بود، مانند یک چوب خشکیده یا مثل مرده‌ها او را در رختخواب پیچیده بودند، به نظر می‌رسید که فردا، پس فردا تمام کند.

هر روز صبح، او را در کنار ضریح می‌خوابانیدم و آخر شب بیرون می‌آوردیم و این کار هر روز ما بود. مادر و خاله دختر همراهش بودند، هفت روز گذشت، این یک سنت است، که کسانی که برای حاجتی آمده‌اند، اگر مقصودشان برآورده نشود، از حرم بیرون نمی‌روند، گاهی پیش آمده که شش ماه در حرم مانده‌اند، تا حاجت بگیرند.

هنگام سحر که خادمان وظایف خود را انجام می‌دادند، مشغول به خواندن نافله شب شدم، مادر و خاله دختر مریض برای وضو رفته بودند، من در رکعت وتر بودم که صدای جیغ شنیدم، دیدم مادر و خاله دختر جیغ می‌کشند: «#171؛ ای وای، ای وای!»

خیال کردم که دخترک بیمار مرده است، ولی مادر فریاد می‌زد! «#171؛ وای، دخترم نیست، کجا رفت دخترم؟ ای خدا!»

نماز را رها کردم. به ذهنم زد که نکند بچه را دزدیده باشند، آخر در اینجا اگر قبیله‌ای بخواهد، قبیله دیگر را بدنام کند، بچه‌های آن قبیله را می‌دزدند و این کار از آنها بر می‌آید، به آنها گفتم که بروند، خیابان‌های اطراف حرم را بگردند!

آنها رفتند و آمدند و گفتند: «#171؛ هیچ اثری از دختر نیست». دست به دامان حضرت ابوالفضل (ع) شدم. سرم را به ضریح زدم، طوری که آثار زخم هنوز هم در سرم پیداست. گفتم: «#171؛ آقا! حالا من چه کار کنم؟ آخر این برای من ننگ است، آقا ما در سایه شما هستیم، آنها شیعه نیستند، هر چه بگوئیم، نمی‌پذیرند جواب این مردمان را چه بدهیم؟

به رواق پایین حضرت عباس (ع) رفتم. دیدم دختر بچه‌ای با پیراهن قرمز - که پارچه‌ای روی سرش انداخته - دارد می‌آید، افتان و خیزان با خودم گفتم: «#171؛ این کی آمد اینجا؟ چرا آمد اینجا؟» از دخترک پرسیدم: «#171؛ چرا آمدی اینجا؟ چه کسی تو را آورد؟»

دیدم، وای، خدای من! یک ذره گوشت توی بدنش نیست، دخترک فقط یک مشت پوست است و استخوان گفتم: «#171؛ من نیامدم. من آنجا بودم».

بعد با دستش ضریح مطهر را نشان داد و گفت: یک آقایی از ضریح بیرون آمد و دستم را گرفت یک دستش را بر سرم کشید و به من گفت: «#171؛ بلند شو، بیا اینجا، تا حالا هم اینجا بود، مادرم کجاست؟ پدرم کجاست؟ فهمیدم که به لطف حضرت حق، از سوی

حضرت عباس (ع) به آن دختر عنایتی شده و شفا یافته است.

\* مرجع دینی با خبر می‌شود

شیخ عباس ادامه داد: در اینجا (کربلا) رسم بر آن است که اگر معجزه‌ای رخ دهد، باید همان ساعت به مرجع دینی خبر داده شود، با حضور کلیددار حرم و مسئولان شهر دختر را به اتاقی در رواق‌های حرم که پنجره‌ای رو به شهر داشت، بردم و به مادرش گفتم: &#171#دخترت خوب شد، حضرت ابوالفضل (ع) او را شفا داد.»

مادر از شادی هلله کرد: گفتم ساکت! حالا وقتش نیست.

با تلفن پدر دختر را خبر کردیم، پدر که بنا بر وضع و حال دختر منتظر شنیدن خبر مرگ فرزندش بود پرسید: &#171#چه شده؟ بچه‌ام مرده؟»

گفتم: &#171#نه، آقا! بیا دخترت را ببین، ابوالفضل (ع) او را شفا داد، دخترت صحیح و سالم است.»

آن روز جشن بزرگی در کربلا و صحن حضرت ابوالفضل (ع) برگزار شد.

دخترک شفا گرفته را در شهر گرداندند و در خیابان‌ها شیرینی پخش کردند، پدر دختر با چهل نفر از سنی‌های تکریت شش شتر آوردند. پنج شتر را در پنج درب صحن مطهر قربانی کردند و یک شتر را هم به من هدیه دادند، آن روز در کربلا کسی نبود که از این گوشت نخورده باشد. این واقعه نیز در زمان حسن‌البرک اتفاق افتاد.

\* حرمت زائران

شیخ عباس الکشوان (کفشدار حرم، در عراق به کفشداری الکیشوانیه گویند) روایت می‌کند که نیاکانش برای زائران اهل بیت (ع) حرمتی بزرگ قائل بوده‌اند، در این باره از پدرش (حاج محمد علی) که او نیز خادم حرم حضرت ابوالفضل (ع) بود و خاطره‌ای شنیدنی دارد:

روزی در حرم را باز می‌کردم، عرب‌های بیابانی را در صحن مطهر دیدم که از نظر پوشاک و نظافت، وضع مناسبی نداشتند.

نگران بودم که مبادا صحن حرم را آلوده به نجاست کنند، با طلوع آفتاب به آنان رو کردم و گفتم:

&#171#آفتاب درآمده، حالا می‌توانید بروید!»

پدرم که شاهد رفتار تند من با بیابان نشینان بود، آشفته حال رو به من کرد و گفت:

&#171#ای بی‌حیا! تو حق نداشتی به اینها بگویی بروند!»

گفتم: &#171#آخر، ممکن است صحن را نجس کنند.»

گفت: اگر نجس می‌کردند، من با این محاسنم آن را پاک می‌کردم. تو چطور می‌گویی بروند؟

سپس برای دلجویی آنان پول داد و برایشان خوردنی خرید.

\* اندرزه‌های خادم صاحب‌دل

دیدارمان با حاج عباس کشوان، خادم پیر و عاشق آستان حضرت ابوالفضل (ع) به درازا می‌کشد: &#171#شیخ عباس کشوانی آل‌الشیخ» در رهگذر انس و الفت با عارفان و عالمان ربانی و نیز صفای باطنی و عنایات اهل بیت (ع) دریافت‌هایی دارد که ضمن چند نصیحت توشه راهمان می‌کند.

او تأکید می‌کند که حضرت ابوالفضل (ع) به حضرت زینب (ع) و حضرت سکینه (س) علاقه خاصی داشتند، پس در بزرگداشت آن حضرات کوتاهی نکنید!

\* سفارش امام زمان (عج) به زائران

شیخ عباس می‌افزاید: از حضرت امام زمان (عج) پرسیده شد که &#171#امام حسین (ع) را چگونه زیارت کنیم؟»

سه بار فرمودند: &#171#زیارت عاشورا»

و بار چهارم فرمودند: &#171#زیارت جامعه».

شیخ عباس می‌گوید: در خانه‌ای که زیارت عاشورا در آن خوانده می‌شود، ندیدم که فقر به آن راه پیدا کند.

شیخ عباس، خادم ابوالفضل (ع) بر نماز شب هم تأکید می‌کند، اما می‌گوید که من زیارت عاشورا را بالاتر از نماز شب می‌دانم و لازم نیست آن دو لعن و سلام را صد بار بخوانیم، همان یک بار نیز به نیت صد بار کافی خواهد بود.

\* سفرنامه کوتاه

بر اساس گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس، گرچه کشور عراق به واسطه حضور عتبات مقدس مورد توجه شیعیان جهان به ویژه شیعیان ایران و کشورهای همسایه از جمله پاکستان، بحرین، قطر، عربستان، سوریه، لبنان، اردن و سایر کشورها قرار گرفته اما هنوز آثار جنایت صدام معدوم در این کشور به راحتی پیداست و هنوز چهره این کشور به حالت نیمه جنگ‌زده و نیمه‌نظامی دارد، به گونه‌ای که تانکها و نفربرهای جنگی، سنگرهای خاکی در حاشیه جاده‌ها، سربازان مسلح و خودروهای جنگی و دو کابین فورد آمریکایی با مسلسل

مسلح و يك سرباز در پشت تيربار و كيسه‌هاي برزنتي بزرگ پر از خاك در حاشيه جاده و مقرهاي نظاميان، چشم و ذهن زائران را خسته مي‌كند ولي با خود فكر مي‌كنيم براي امنيت جان زائر لازم است.

براساس اين گزارش حضور نيروهاي آمريكايي در کنار نظاميان عراقي به راحتی در هنگام ورود به خاك اين کشور هويداست و وقتي از مرز مهران وارد خاك عراق و مرز همجوار به نام زرباطيه مي‌شويد، بلافاصله سربازان زن و مرد آمريكايي را مي‌بينيد كه بازرسي از زائران را انجام مي‌دهند و از زائران جوان‌تر به وسيله دستگاه‌هاي پيشرفته، عكسبرداري قرنيه چشم انجام مي‌شود كه مبدا به خيال خام آنها افرازي كه منسوب به گروهك‌هاي تروريست هستند، وارد کشور عراق شوند.

وقتي از مرز وارد خاك عراق مي‌شويم، كارگران عراقي با كلاه‌هايي بر سر با رنگ پرچم عراق و با نوشته "انا عراقي" مشخص مي‌كنند كه وارد خاك عراق شدي و آنها منتظرند تا چمدان‌هاي زائران را با گاري‌هاي دستي به محل استقرار اتوبوس‌هاي عراقي منتقل كنند.

بنابر مشاهدات خبرنگار فارس کشور عراق ظاهراً به دليل خشك كردن برخي از هورها (آبگيرها و برکه‌ها) در زمان جنگ براي حضور راحت‌تر نظاميان عراقي در جنگ تحميلي، هنوز آثار توفان‌هاي خاكي و شني در عراق وجود دارد و چهره شهر و روستا و ساختمان‌هاي اين کشور كاملاً خاك‌زده است، انگار يك نفر از آسمان اين کشور مرتب خاك مي‌ريزد.

هنوز برخي از اماكن متبركه مانند مسجد سهله و حتي اطراف حرم كاظمين(ع) و عسكربين(ع) داراي خيابان‌هاي خاكي و كوچه و پس‌كوچه‌هاي بسيار تنگ و تاريخ است كه نشان از عقب‌افتادگي اين کشور بر اثر جنائت‌هاي ديكتاتور سابق عراق دارد.

بنابرفته اكثر زائران ايراني عمده ساكنان عراق ملزم به رعايت نكات بهداشتي و يا دفن زباله نيستند و اماكن پرتردد زائران از نظر اصول بهداشتي و دفع زباله دچار عقب‌ماندگي خاصي است.

#### \* عظمت مسلمانان در وحدت متجلي مي‌شود

بنابر مشاهدات خبرنگار فارس حضور كاروان‌هاي متعدد از کشور ايران كه هر کدام داراي مداح و رئيس كاروان خاصي هستند، در حرم عتبات باعث شلوغي مي‌شود و عدم از خودگذشتگي و يا رعايت نكاتي مبني بر اتحاد زائران مسلمانان متاسفانه باعث شلوغي و برهم آميختگي صدای مداحان متفاوت در صحن اميرالمومنين(ع) و ساير ائمه اطهار در عراق مي‌شود كه در اين بين حواس زائران كه براي زيارت آمده‌اند، واقعا پرت مي‌شود و امكان استفاده معنوي از اين فضا كمتر مي‌شود در حالي كه بهتر است هر مداح از خودگذشتگي كرده و در روضه مداح ديگر شركت كرده و به اين وسيله اتحاد و عظمت مسلمانان بيشتتر تجلي پيدا كند.

بازار عراق مملو از كالاهاي خارجي ارزان از خوراكي، پوشاك، لباس، اسباب بازي، لوازم آرايشي، برقي، خودرو و كالاهاي مختلف است. ايرانيان در بازسازي حرم عتبات مانند كاظمين و طفلان مسلم مشاركت فعال دارند و استاد كاران گچ‌كار آيينه‌كار و طلاسازان در ساخت ضريح فعال هستند. حتي فرش‌هاي حرم نوشته شده اهدايي مردم طبس، اصفهان، شيراز و ساير شهرهاي ايران كه نشان از اوج ارادت مردم ايران به اهل بيت عصمت و طهارت(ع) دارد.

#### \* بازسازي حرم عسكربين در سامراه

بنابر مشاهده خبرنگار فارس، حرم عسكربين(ع) كه در سال 1382 توسط وهابيه و عوامل استكبار منفجر شده بود، توسط ايرانيها بازسازي شده و مراحل ساخت ديوارها و گنبد به پايان رسيده و حرم امام هادي(ع) و عسكري(ع) توسعه پيدا كرده است.

مردم از طريق راهروهايي به زيارت امام هادي و عسكري(ع) مي‌روند، اما هنوز ضريح مطهر نصب نشده و تزيينات حرم مانند گچ‌بري و آيينه كاري مانده است.

حتي سرداب مقدس محل شروع غيبت كبراي امام عصر(عج) نيز كه در كينه دشمنان اهل بيت سوخته و منفجر شده بود، گشوده شده و زائران دلسوخته در کنار پنجره سوخته سرداب به زيارت، عزاداري و اقامه نماز مي‌پردازند و ديده در فراق يار با اشك چشم مي‌شويند و غبار از دل مي‌ربايند.

با توجه به اين كه حرم عسكربين در شهر سامرا (سر من راه، سرزميني كه هر كه ديد شاد شود) منطقه سني نشين قرار دارد، اطراف حرم و راه ورودي به وسيله ديوارهاي بلند بتني پوشيده و از شهر جدا شده و زائران از گذر گاه بتني مخصوص براي زيارت اعزام مي‌شوند. تدابير امنيتي نيز شديد است و زائر نمي‌تواند حتي موبايل و خودكار همراه داشته باشد.